

Contents

۳	سفر اول به شام
۳	سفر دوم به شام
۴	هجرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به مدینه
۵	سال اول هجرت
۶	اقدامات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از استقرار در مدینه
۷	سال دوم هجرت (سنة الامر)
۷	تغییر قبیله
۷	صدور فرمان جهاد
۸	غزوه بدر
۸	در هفدهم رمضان این سال نبردی در نزدیکی چاه های بدر بین مسلمانان و مشرکین در گرفت که
۸	در این نبرد مسلمانان توانستند قریشیان را شکست سختی بدهند و هفتاد نفر از قریش کشته و هفتاد
۸	نفر اسیر شدند.
۸	دیگر وقایع سال دوم
۹	سال سوم هجری
۹	غزوه احد
۹	سال چهارم هجرت
۱۰	دیگر وقایع سال چهارم
۱۰	غزوه بنی نضیر، غزوه ذات الرقاع و غزوه بدر الموعد
۱۰	۴. نزول آیه تحریم شراب سال پنجم هجرت (سنة الاحزاب)
۱۰	سال ششم هجری (سنة الاستنناس)
۱۰	صلح حدیبیه
۱۱	مفاد صلح حدیبیه
۱۱	دعوت پادشاهان کشورهای مجاور به اسلام
۱۱	سال هفتم هجری
۱۲	سال هشتم هجری
۱۲	فتح مکه
۱۳	سال نهم هجری
۱۳	سال دهم هجرت
۱۳	حجه الوداع و نصب خلیفه در واقعه غدیر خم
۱۴	سال یازدهم هجری
۱۴	معجزات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۱۵	فضائل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطابق با قرآن
۱۵	سنت پیامبر اکرم (ص)
۱۶	پیامبر اکرم (ص) در روایات
۱۶	شنون پیامبر صلی الله علیه و آله

منابع:..... ١٤

سفر اول به شام

رسول خدا صلی الله علیه و آله دوازده یا سیزده ساله بودند که همراه عموی خود، ابوطالب با کاروانی از قریش که هر ساله برای تجارت به شام می‌رفت، رهسپار شام شد؛ این سفر در دهم ربیع الاول سال سیزدهم واقعه فیل، اتفاق افتاد. چون کاروان به بصری رسید، راهبی بحیری نام، از دانایان کیش مسیحی، از روی آثار و علائم، رسول خدا صلی الله علیه و آله را شناخت و از نبوت او خبر داد و ابوطالب را از کید یهود، نسبت به شناسایی و قتل او ترساند و به مراقبت و نگهداری از او سفارش کرد البته در این باره بحث‌ها و نظرات گوناگونی وجود دارد که سید جعفر مرتضی عاملی در کتاب خود الصحیح من سیره النبی الاعظم به تعدادی از آنها اشاره کرده

سفر دوم به شام

خدیجه سلام الله علیه دختر خویلد، زنی تاجرپیشه و شرافتمند و ثروتمند بود، او مردان را برای بازرگانی اجیر می‌کرد و سرمایه‌ای از مال خود را برای تجارت در اختیارشان می‌گذاشت او چون از راستگویی و امانتداری و مکارم اخلاق رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر یافت، کس نزد وی فرستاد و به او پیشنهاد کرد که با سرمایه او، همراه غلام وی مسیره برای تجارت، رهسپار شام شود؛

رسول خدا صلی الله علیه و آله پذیرفت و با مسیره رهسپار شام شد؛ این سفر، چهار سال و نه ماه و شش روز پس از فجار چهارم، روی داد. حضرت چون به بصری رسیدند، نسطور راهب وی را دید و مسیره را به پیامبری او مژده داد

بعد از بازگشت به مکه او این خبر و نیز کراماتی را که خود از حضرت در این سفر مشاهده کرده بود به اطلاع خدیجه سلام الله علیها رساند.

پس از وفات ابوطالب، ریاست بنی هاشم به ابولهب رسید و او حمایت بنی هاشم را از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برداشت. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر اثر اختناق محیط مکه، تصمیم گرفت به محیط دیگری برود و بدین منظور شهر طائف را انتخاب نمود.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به همراه زید بن حارثه عازم طائف شدند تا با بزرگان قبیله ثقیف دیدار کرده و آنان را به اسلام دعوت کنند. ولی آنها دست رد به سینه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) زدند و سفیهان و بردگان خود را مجبور کردند تا با دشنام و به دنبال رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رفته و او را سنگباران کنند. رسول خدا پس از ده روز توقف در طائف و ناامیدی از اسلام و حمایت قبیله بنی ثقیف را مکه را در پیش گرفت

هجرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به مدینه

پس از آنکه مشرکان مکه، برای قتل رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقشه کشیدند، جبرئیل خبر این توطئه را به ایشان داد. در شب موعود چهل نفر از قریشیان، خانه حضرت را به محاصره درآوردند به گونه ای که محل خواب حضرت، در دید آنان قرار داشت. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت علی (علیه السلام) گفت تا به جای او بخوابد و از همان برد یمانی سبز رنگی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روی خود می کشید، استفاده کند. پس از آن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با عنایت خداوند از خانه خارج شده و به جنوب شهر مکه یعنی مسیری کاملاً برعکس مسیر یثرب رفت. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هنگامی که صبح شد، و مشرکان برای اجرای نقشه خود آماده شدند، حضرت علی (علیه السلام) از جای خود برخاست و مشرکان فهمیدند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از دسترس آنان خارج شده است، به تکاپو افتاده و به دنبال ایشان گشتند، و توسط یک راهنما تا پای کوه ثور که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)

سلم) به همراه ابوبکر در آنجا پنهان شده بودند، آمدند، و مشاهده تارهای عنکبوت بر در غار به داخل غار نرفتند. قریش برای کسی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را بیابد و به دست آنان بسپارد صد شتر جایزه تعیین کرده بود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و ابوبکر سه روز در غار پنهان شدند تا مشرکین از جستجوی ایشان خسته شدند و سپس با تهیه زاد و توشه و استخدام یک راهنما عازم مدینه شدند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فاصله مکه تا مدینه را از راهی غیر معمول طی کردند و پس از پانزده روز وارد دهکده قبا در فاصله شش کیلومتری مدینه شدند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در قبا منتظر رسیدن یار و پسر عم خود حضرت علی (علیه السلام) شدند که بعد از هجرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به همراه کاروانی که شامل زنان و دختران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و بنی هاشم می شد، از جمله - حضرت زهرا (سلام الله علیها) و فاطمه بنت اسد - و سایر کسانی که هنوز موفق به هجرت نشده بودند، به سمت مدینه در حرکت بود. امام علی (علیه السلام) در مکه وظیفه پس دادن امانت هایی که مردم مکه نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) داشتند، را داشت و پس از انجام این کار راهی مدینه شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در این مدت که در قبا بودند، اقدام به ساختن مسجد قبا کردند و پس از رسیدن کاروان حضرت علی (علیه السلام)، به همراه ایشان راهی مدینه شدند.

سال اول هجرت

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از ورود به مدینه، مورد استقبال مردم آن شهر قرار گرفتند. طوایف مختلف انصار، هر کدام می خواستند تا افتخار میزبانی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را از آن خود کنند. ولی حضرت فرمودند، هر کجا که شترشان توقف کند، همانجا اقامت خواهند گز. در نهایت شتر آن حضرت در محله بنو مالک بن النجار فرود آمد. و ابویوب انصاری

پیش دستی کرده و اسباب و اساس حضرت را با خود به خانه اش برد و حضرت همان جا مستقر شدند

اقدامات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از استقرار در مدینه

نخستین اقدام رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تاسیس مسجدی است که امروزه به مسجد النبی معروف است. در کنار خانه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) قطعه زمینی بود، متعلق به دو یتیم که سرپرستی آنها با معاذ بن عفرأ بوده است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این زمین را با وجود آنکه صاحبان آن راضی به واگذاری آن بودند، از معاذ خرید و به کمک سایر مسلمانان، آن را تبدیل به مسجد کرد. این مسجد در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) یک مرکز عبادی، نظامی، سیاسی و آموزشی داشت و نقشی اساسی در دوران حیات رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در شکل گیری جامعه اسلامی داشت.

پیمان برادری

دیگر اقدام رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در هنگام ورود به مدینه، برقرار ساختن پیمان برادری میان مسلمانان، که مؤاخاة نامیده می شد، بوده است. به نظر چنین می آید که یک بار پیمانی میان مهاجران بسته شده و دیگر بار پیمانی میان مهاجران و انصار به صورت دو به دو. از مشهورترین پیمان ها می توان به عقد برادری میان: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت علی (علیه السلام)، ابوبکر و عمر، حمزه سیدالشهدا با زید بن حارثه و... اشاره کرد.^[۴۵]

پیمان صلح با اهل کتاب مدینه

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عهدنامه ای میان مهاجران و انصار از یک طرف و یهودیان مدینه از طرف دیگر نوشت و یهودیان را دین و دارائی خویش آزاد گذاشت و شرائطی برای ایشان

قرار داد. موادّ ابن پیمان نامه عبارت است از:

۱. مسلمانان و یهودیان مانند یک ملت در مدینه زندگی خواهند کرد.
۲. مسلمانان و یهودیان در انجام مراسم دینی خود آزاد خواهند بود.
۳. در موقع پیش آمد جنگ، هر کدام از این دو دیگری را در صورتی که متجاوز نباشد، علیه دشمن کمک خواهد داد.
۴. هر گاه مدینه مورد حمله و تاخت و تاز دشمن قرار گیرد، هر دو با هم در دفاع از آن تشریک مساعی خواهند کرد.
۵. قرارداد صلح با دشمن، با مشورت هر دو انجام خواهد شد.
۶. چون مدینه شهر مقدسی است، از هر دو ناحیه مورد احترام، و هر نوع خونریزی در آن حرام خواهد بود.
۷. در موقع بروز اختلاف و نزاع، آخرین داور برای رفع اختلاف، شخص رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خواهد بود.
۸. امضا کنندگان این پیمان با همدیگر به خیرخواهی و نیکوکاری رفتار خواهند کرد.

سال دوم هجرت (سنه الامر)

تغییر قبله

با وجود بستن پیمان با یهودیان، ولی دانشمندان یهود از روی حسد و کینه ورزی به دشمنی با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برخاستند. و مدام با وارد کردن طعنه به ایشان سعی در سستی اعتقادات مسلمانان داشتند. از جمله این طعنه ها، قبله اول مسلمانان بیت المقدس بود. آنان به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می گفتند: "با ما مخالفت می کند اما به سوی قبله ما نماز می گزارد. این طعنه ها موجب آزار مسلمانان و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می شد، تا اینکه در نیمه ماه رجب، آیه تغییر قبله، در مسجد بنی سالم بن عوف که امروزه به مسجد ذوالقبلتین معروف است، نازل شد و قبله مسلمانان به سمت مکه تغییر یافت.

صدور فرمان جهاد

در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، نبردهای مسلمانان به دو قسمت تقسیم می شد.

۱. جهادهایی که خود رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در آنها شرکت می کردند که به آنها غزوه می گفتند و تعداد آنها را ۲۶ یا ۲۷ عدد نوشته اند.
۲. جهادهایی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، یکی از اصحاب خود را فرمانده سپاه می کردند و خود شخصاً در آن ها شرکت نمی کردند، که به آنها سریه می گویند و تعداد آنها به روایت ابن اسحاق ۳۵ سریه است.

پس از هجرت مسلمانان به مدینه، مشرکان قریشی اسباب و وسایل باقی مانده آنان را به عنوان سرمایه در کاروان های تجارتی خود استفاده کردند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برای جلوگیری از تجارت اینها، دستور به غارت این کاروان ها دادند تا با ناامن کردن راهها، اقتصاد قریش را مختل کنند. به همین دلیل به اصحاب خود دستور جهاد دادند.

اولین سریه در شوال سال اول هجری به فرماندهی عبیده بن حارث بن مطلب انجام شد و پس از آن سریه حمزه سیدالشهدا، در رمضان همان سال بود که هر دو بدون درگیری با مشرکان بوده است. اولین غزوه، غزوه بواط است که ربیع الاول سال دوم هجری صورت گرفت که بدون نتیجه باقی ماند. پس از این غزوه، غزوه های عُشیره و سَفَوان یا بدر اولی است. اولین درگیری بین مسلمین و مشرکین در سریه عبدالله بن جحش صورت گرفت که در آن یک نفر از مشرکان کشته شد و غنایمی بدست آمد.

غزوه بدر

در هفتمین رمضان این سال نبردی در نزدیکی چاه های بدر بین مسلمانان و مشرکین در گرفت که در این نبرد مسلمانان توانستند قریشیان را شکست سختی بدهند و هفتاد نفر از قریش کشته و هفتاد نفر اسیر شدند.

دیگر وقایع سال دوم

۱. وجوب روزه ماه رمضان
۲. مقرر شدن اذان اسلامی و تعیین فصول
۳. عروسی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب با حضرت زهرا (سلام الله علیها)
۴. برخورد با شاعران یهودی و کافر

سال سوم هجری

از وقایع سال سوم هجری می توان به واکنش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به توهین ها و تحریکات شاعران یهودی و مشرک اشاره کرد. همچنین غزوه های ذی امر و بحران و سریه های محمد بن مسلمة و قرده در این سال اتفاق افتادند.

غزوه احد

بی شک مهم ترین اتفاق سال سوم هجری غزوه احد است که در هفتم شوال آن سال اتفاق افتاد و هفتاد مسلمان از جمله: حمزه بن عبدالمطلب (سید الشهدا)، مصعب بن عمیر و... به شهادت رسیدند و هفتاد مسلمان دیگر زخمی شدند.

همچنین در این سال غزوه حمراء الأسد بلافاصله بعد از احد اتفاق افتاد. و امام حسن مجتبی (علیه السلام) نیز در نیمه رمضان این سال متولد شدند.

سال چهارم هجرت

در این سال دو حادثه تلخ برای اسلام و مسلمین رخ داد. اولین حادثه، اتفاق رجیع و دومین حادثه، واقعه بئر معونه بود. که در اولی، گروهی از اعراب خارج مدینه، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درخواست کردند تا عده ای مبلغ را به قبیله آنها بفرستند تا آنها را به اسلام دعوت کنند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز شش نفر از اصحاب خود را به همراه آنها فرستادند. ولی آنها این شش نفر را به شهادت رساندند. در حادثه دوم نیز، یک نفر از مردم نجد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، درخواست فرستادن مبلغانی کرد که حضرت چهل نفر را همراه او

فرستادند که همه آنها به جز یک نفرشان مانند افراد رجیع به شهادت رسیدند. گویند خبر شهادت هر دو گروه را در یک شب به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رساندند.

دیگر وقایع سال چهارم

غزوه بنی نضیر، غزوه ذات الرقاع و غزوه بدر الموعده

۱. سریه ابوسلمه و سریه عبدالله بن انیس
۲. میلااد امام حسین علیه السلام در سوم شعبان
۳. وفات فاطمه بنت اسد مادر حضرت علی (علیه السلام)
۴. نزول آیه تحریم شراب سال پنجم هجرت (سنه الاحزاب)

بی شک مهم ترین رویداد سال پنجم هجری، غزوه خندق یا خندق است. همچنین در این سال غزوه دومه الجندل، غزوه بنی قریظه و سریه ابوعبیده بن جراح نیز اتفاق افتاد.

سال ششم هجری (سنه الاستئناس)

تعداد سریه های سال ششم بسیار زیاد است. از غزوه هایی که در این سال اتفاق افتاد می توان به غزوه بنی لحيان، غزوه ذی قرد و غزوه بنی مصطلق اشاره کرد. ولی بی شک مهم ترین رویداد این سال صلح حدیبیه است که در قرآن در سوره فتح از آن به عنوان فتح المبین یاد می شود. همچنین در این سال رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نامه هایی را به همراه سفیرانی به سمت کشورهای روم، ایران، مصر، عمان، یمن و بحرین فرستادند.

صلح حدیبیه

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در ذی القعدة این سال به قصد عمره بی آن که جنگی در نظر داشته باشد، آهنگ مکه کرد. قریش که دیگر از رویارویی با مسلمانان خسته شده بود، با فرستادن سفیرانی صلحی را با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در منطقه حدیبیه امضا کرد.

مفاد صلح حدیبیه

۱. به مدت ده سال صلحی بین دو طرف برقرار شود و جنگی در کار نباشد.
۲. مسلمانان هر که را که بی اجازه قریش به مدینه آمد به نزد قریش پس بفرستند.
۳. اگر کسی از مسلمانان به نزد قریش رفت، قریش او را پس نخواهد فرستاد.
۴. هر دو طرف با هر قبيله ای که می خواهند، مختار به هم پیمانی اند.
۵. سپاه اسلام امسال را به مدینه باز می گردد و سال بعد برای سه روز می تواند به مکه بیاید.

همچنین قبل از امضای صلح نامه، پیامبر از مسلمانان در کنار درختی بیعت گرفت که در صورت

بروز جنگ میان آنها و قریش، از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دفاع کنند. این بیعت به بیعت رضوان یا بیعت شجره معروف است.

دعوت پادشاهان کشورهای مجاور به اسلام

پس از صلح حدیبیه و کنار رفتن قریش به عنوان جدی تری خطر برای اسلام، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرصت پیدا کردند تا کارهای دیگری را از جمله جهانی کردن رسالتشان انجام دهند به همین دلیل نامه هایی را به سران قدرت های آن زمان یعنی روم و ایران و کشورهای تابعه اینان فرستادند و آنها را به اسلام دعوت کردند.

سال هفتم هجری

در این سال نیز سریه های سال هفتم هجری زیادی اتفاق افتاد. همچنین در ذی القعدة این سال حج عمره ای که در سال گذشته محقق نشده بود، انجام شد عمره القضاء معروف است. مهم ترین اتفاق این سال غزوه خیبر است. در این غزوه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خطر یهودیان را برای همیشه از بین برد. از دیگر اتفاقات این سال بازگشت مهاجران حبشه به مدینه است.

سال هشتم هجری

در این سال یکی از مهم ترین اتفاقات تاریخ اسلام افتاد و آن فتح مکه به دست مسلمانان بود. از جمله اتفاقات دیگر این سال می توان به سریه موته در کنار تعداد بسیار زیاد سریه های سال هشتم هجری اشاره کرد. که اولین رویارویی سپاه اسلام با رمیان بود و در آن سه تن از سرداران اسلام و اصحاب پیامبر یعنی پسر عموی ایشان جعفر بن ابی طالب (جعفر طیّار)، پسرخوانده ایشان زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه به شهادت رسیدند. غزوه های مهم دیگری که در این سال اتفاق افتاد، یکی غزوه طائف و دیگری غزوه حنین که میدانی دیگر برای آزمایش یاران راستین رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود و نبردی بود بین مسلمانان و مشرکان قبیله هوازن و ثقیف.

فتح مکه

پس از آنکه قریش پیمانی را که در حدیبیه با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بسته بود، را شکست، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به همراهی ده هزار نفر از مسلمانان از مدینه عازم مکه شدند. حرکت سپاه به صورت مخفیانه بود و تنها زمانی قریشیان از سپاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آگاه شدند که آتش های افروخته شده در اردوی سپاه اسلام را مشاهده نمودند. ابوسفیان که دید نمی توان در برابر سپاه اسلام مقاومت کند، بالاجبار اسلام آورد و از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) امان خواست. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به مردم مکه اعلام کردند تا هر که در خانه خود بماند، یا به خانه ابوسفیان برود و یا در مسجد الاحرام باشد در امان است مگر چند نفر که رسول خدا امان را از آنها برداشت. هنگامی که سپاه اسلام وارد مکه شد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به همراه حضرت علی (علیه السلام) وارد کعبه شدند آنجا را از بت ها پاک کردند.

سال نهم هجری

پس از آنکه در سال هشتم هجری قریشیان تسلیم مسلمانان شدند، دیگر قبایل عرب نیز دیگر در خود توان ایستادگی در برابر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را نمی دیدند، به همین دلیل همگی تسلیم اسلام شدند. پیمانی را که سران این قبایل با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می بستند را وَفْد می گویند. در این سال همچنین آخرین غزوه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) یعنی غزوه تبوک در این سال اتفاق افتاد. در این غزوه بسیاری از چهره های منافقان، پرده از چهره خود برداشتند. هم چنین در این غزوه عده ای قصد ترور رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را در عقبه داشتند که در کار خود ناموفق بودند، این افراد به اصحاب عقبه معروف اند. در این سال همچون سال های قبل سربزه های بسیاری اتفاق افتاد که بیشتر آنها در جهت تخریب بتخانه ها بوده است. ابلاغ سوره براءت نیز در این سال اتفاق افتاده است.

سال دهم هجرت

در این سال بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، حضرت علی (علیه السلام) را به یمن فرستادند تا مردم آنجا را به اسلام دعوت کنند و ایشان در سفر خود به یمن موفق شدند تا قبایل بسیاری از یمنیان را مسلمان کنند. همچنین در اواخر این سال مدعیان دروغین شروع به مبارزه با مسلمانان کردند. ولی به جرأت می توان گفت که مهم ترین اتفاق در تاریخ اسلام، اعلام خلافت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) در روز غدیر است.

حجه الوداع و نصب خلیفه در واقعه غدیر خم

شیخ کلینی روایت کرده که: حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از هجرت، ده سال در

مدینه ماند و حج به جا نیورد تا آن که در سال دهم خداوند عالمیان این آیه را فرستاد که: «و اذّن فی الناس بالحجّ یأتوک رجالا و علی کلّ ضامر یأتین من کلّ فج عمیق، لیشهدوا منافع لهم»؛ و در میان مردم برای ادای حج بانگ برآور تا پیاده و سوار بر هر شتر لاغری که از هر راه دوری می آیند به سوی تو روی آورند.

وقتی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم از اعمال حجّه الوداع فارغ شد متوجه مدینه شد و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر مسلمانان در خدمت آن حضرت بودند و چون به غدیر خم رسیدند. حق تعالی این آیه را فرستاد: «یا ایّها الرّسولُ بَلِّغْ ما أنزلَ إِلَیکَ مِنْ رَبِّکَ».

یعنی: «ای پیغمبر بزرگوار! برسان به مردم آن چه فرستاده شده است بسوی تو از جانب پروردگار تو» در باب نص بر امامت علی بن ابی طالب و خلیفه نمودن او در میان امت خود؛ پس فرمود: «وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ»؛ پس اگر نکنی رسالت خدا را نرسانده ای و خدا تو را نگاه می دارد از شر مردم.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آنجا خطبه معروف غدیر خم را قرائت فرمودند و حضرت علی علیه السلام را به جانشینی خود معرفی کردند. سپس همه بر گرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام جمع شدند و با آن حضرت مصافحه کردند و بیعت نمودند.

سال یازدهم هجری

در اواخر صفر این سال رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به شهادت رسیدند و در سقیفه بنی ساعده خلافت را از حضرت علی (علیه السلام) غضب کردند.

معجزات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

برای پیامبر اسلام به جز قرآن کریم معجزات بسیار دیگری نقل شده است. ابن شهر آشوب می گوید:

ذکر شده که برای آن حضرت ۴۴۰ معجزه است که از آنها ۳ هزار معجزه ذکر شده است. و این

معجزات چهار نوع است: معجزات قبل از ولادت آن حضرت، معجزات پس از ولادت، معجزات

پس از بعثت آن حضرت و معجزات پس از وفات آن حضرت.

در کتاب حیوة القلوب نوشته علامه مجلسی تعداد از این معجزات در قالب نقل روایت بیان شده است.

از مشهورترین معجزات آن حضرت شق القمر و رد الشمس را می توان نام برد.

فضائل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطابق با قرآن

- یکی از القاب قرآنی آن حضرت، "رحمة للعالمین" است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ
- خدا از پیامبران خود عهد گرفته است که اگر زمان او را درک کردند از او پیروی نمایند: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ»
- خداوند در قرآن پیامبرانش را با نام خطاب می کند در حالی که نبی مکرم اسلام را از جهت تعظیم و تکریم با عناوین «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ» و «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ» و هر جا نام مبارک محمد صلی الله علیه و آله را آورده مخاطب نبوده است «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ» و دیگر «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ»، «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ»
- تمام روی زمین برای معبد و مسجد امت او جایز است و و امم پیش از ایشان جز در معبد معین عبادتشان مورد قبول نبوده است.
- ایشان بر تمامت خلایق مبعوث شدند و انبیای قبل از ایشان به روایتی هر یک به قومی مبعوث شدند.
- پیامبران دیگر بر اساس درخواست شان خدا بدان ها عنایتی می فرمود مانند حضرت موسی علیه السلام که از خدا شرح صدر طلب نمود «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» ولی درباره رسول اکرم فرمود: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ»^[۶۱] آیا ما سینه تو را وسعت ندادیم.

سنت پیامبر اکرم (ص)

سنت پیامبر اکرم که عبارت است از قول (سخن)، فعل (رفتار) و تقریر آن حضرت در کنار قرآن

یکی از منابع مهم، تفکر مذهبی اسلام در تمام مذاهب آن است. بنابراین هرگاه حدیثی معتبر از پیامبر

نقل شود و بدان عمل می‌شود و این کار را عمل به سنت می‌گویند. شیعه با تأسی به حدیث ثقلین که یکی از موارد سنت آن حضرت است قول و فعل و تقریر معصومان را نیز همچون سنت آن حضرت حجت می‌داند.

پیامبر اکرم (ص) در روایات

در احادیث معتبر از حضرت امام صادق علیه السلام منقول است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به روش بندگان طعام می‌خورد بی‌خوان و به روش بندگان می‌نشست یعنی دو زانو و بر زمین می‌خوابید بی‌فراش و می‌دانست که او بنده است. در حدیث دیگر فرمود که: بهترین نان خورش ها نزد آن حضرت سرکه و زیت بود.

- امام صادق علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ گاه به اندازه ژرفای خرد خود با بندگان سخن نگفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ما، جماعت پیامبران، دستور داریم که با مردم به فراخور فهم و خردهایشان سخن بگوییم.
- امام علی علیه السلام در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند او را از شجره پیامبران و چراغدان (و جایگاه) روشنایی و بلندای پیشانی (خاندانی بلندپایه و شریف) و ناف مکه و چراغ های تاریکی و چشمه های حکمت، برگزید.
- امام علی علیه السلام در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: و گواهی می‌دهم که محمد بنده خدا و فرستاده اوست و سرور بندگانش می‌باشد. هر زمان خداوند آفریدگان را به دو شاخه تقسیم کرد، او را در بهترین شاخه قرار داد، نه آلوده دامنی در وجود او سهیم شد و نه گنه کاری در وجودش شریک گشت.
- امام علی علیه السلام درباره بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند در روزگاری او را برانگیخت که مردم گمراه و سرگردان بودند و در فتنه و فساد دست و پا می‌زدند. هوسها آنان را دلباخته خود کرده و از راه به درشان برده بود.

شئون پیامبر صلی الله علیه و آله

شهید مطهری ره بر اساس قرآن کریم سه مقام برای پیامبر اکرم صلی اله علیه و اله بر می‌شمارد که از طرف خداوند به آن حضرت داده شده است و از ناحیه آن حضرت به ائمه علیهم السلام که خلفای آن حضرتند می‌رسد:

۱- **مقام پیغمبری یا رسالت:** مقام ابلاغ احکام الهی؛ یعنی از طرف خداوند احکام و معارف الهی به او وحی می شد و او مأمور بود که آنچه را که به او ابلاغ می شد، آنچه را که به او وحی می شد به دیگران اعلان بکند. از این نظر، او رسول و پیغمبر بود که در آیه ای می فرماید: **مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ** بر یک نفر فرستاده، نیست جز رساندن به مردم.

۲- **مقام قضاوت:** آیه: **فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا** مربوط به مقام قضاوت رسول اکرم است نه مقام پیامبری او. معنای آیه این است که مردم باید در مقابل قضاوت تو تسلیم بشوند.

۳- **مقام حکومت:** آیه ی قرآن: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ:** ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را اطاعت کنید و پیغمبر و اولی الامر از خودتان را اطاعت کنید.

منابع

١٥/١٠٥	١ - بحار الانوار
ج ٣. ص ٧٩٦	٢ - تاريخ طبرى
٩٦ ضحى	٣ - قرآن كريم
ج ٢. ص ٢٧	٤ - دلائل النبوه
ج ١. ص ١٩٠	٥ - ترجمه طبقات الكبرى
ج ١. ص ٣٥٠/٣٥١	٦ - سيره النبويه
ج ٤. ص ١٨١٠	٧ - ناسخ التواريخ
بحار الانوار	٨ - علامه مجلسى